

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۴ جولای ۲۰۲۰

اوج گیری مجدد مبارزات کارگران ایران

این روزها و به رغم اپیدمی کرونا شاهد موج بزرگی از اعتراضات کارگری در بسیاری از شهرهای ایران می باشیم که در رأس آنها اعتصاب بیست روزه کارگران مبارز مجتمع نیشکر هفت تپه قرار دارد. علاوه بر اعتصاب بزرگ هفت تپه، تجمع کارگران معدن امین یار فاریاب در مقابل این معدن به خاطر سه ماه عدم پرداخت دستمزد و سه ماه پرداخت ناقص حقوق، (به این معنی که کارفرمای بی شرم صرفاً بخش کوچکی از دستمزد را پرداخت کرده و نه همه آن را)، تجمع اعتراضی کارگران اورهال پتروشیمی خراسان به دلیل عدم پرداخت دستمزد، ... از زمره دیگر اعتصابات و اعتراضات کارگران به جان آمده ایران علیه کارفرما و رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی هستند. کارگران پتروشیمی در حالی به اعتراض برخاسته اند که این پروژه تعمیر، در حال اتمام است اما کارفرما هنوز دستمزد ۵۰۰ کارگری که از جانشان برای این پروژه مایه گذاشته اند را نپرداخته است. مورد دیگر تجمع کارگران شهرداری کوت عبدالله در خوزستان می باشد. کارگران کوت عبدالله از ابتدای سال جاری حقوق نگرفته اند. کارگران شهرداری که کارشان نظافت شهر می باشد در شهرهای دیگر نظیر بوشهر، تبریز و کرج نیز برای دریافت حقوق های معوقه خود دست به تجمع زده اند. کارگران شرکت کیسون در مقابل سازمان آب تهران به دلیل عدم دریافت ۱۳ ماه حقوق؛ تجمع پرستاران استان گیلان در اعتراض به قراردادهای ۸۹ روزه و عدم تحقق وعده های مسئولان دانشگاه علوم پزشکی در باره پرستاران و ...، اینها تنها چند نمونه از ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری در روز های اخیر می باشند. اما همانطور که اشاره شد اعتصاب پرشکوه کارگران هفت تپه برجسته ترین اعتصاب در موج اخیر حرکات اعتراضی کارگران می باشد که همچنان ادامه دارد. تا تاریخ ۱۵ تیرماه بیش از سه ماه است که کارفرما از پرداخت دستمزد کارگران شرکت هفت تپه خودداری کرده است. این یکی از علل اعتصاب طولانی مدت کارگران گرسنه هفت تپه می باشد، در عین حال آنها به دلیل عدم امنیت شغلی با واگذاری هفت تپه به بخش خصوصی مخالف اند. کارگران با تجمع در مقابل دفتر مدیریت و سپس فرمانداری تلاش کردند مسئولین را متوجه بحرانی که عدم دریافت حقوق، عدم تمدید دفترچه های بیمه، اخراج پی در پی کارگران و ... در زندگی آنها ایجاد می کند، بنمایند. با این وجود پاسخ لازم و شایسته به آنها داده نشد. به دنبال این اقدامات، کارگران برای پیگیری خواست هایشان به راهپیمایی در شهر شوش دست زدند تا افکار عمومی را به حمایت از مطالبات برحقشان فرا بخوانند. شعارهایی که کارگران در جریان راهپیمایی های خود سر می دهند بیانگر سطح آگاهی این کارگران می باشد. "کارگران بیدارند، از استثمار بیزارند"، "تنگ ما، تنگ

ما! صدا و سیمای ما"، "زنده باد اتحاد"، "کارگر می میرند، ذلت نمی پذیرد"، "اسد بیگی دروغ گو اعدام باید گردد"، "اسد بیگی، استاندار پیوندتان مبارک"، "مرگ بر روحانی"، "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل می شه"، "اختلاسگران آزادند، کارگران گرسنه"، "نه حاکم نه دولت نیستند به فکر ملت" و ...

مهمترین خواست های کارگران هفت تپه جدا از پرداخت سه ماه حقوق معوقه، خلع ید فوری از کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی و بازگشت به کار فوری همکاران اخراج شده و همچنین پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی جهت تمدید دفترچه بیمه کارگران، می باشد. خودداری کارفرمای دزد شرکت از پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی در واقع معنای عملی اش برای کارگران از دست دادن تنها امکانشان جهت مراجعه خود و خانواده شان به پزشک و بیمارستان آن هم در شرایط ابیهدمی کرونا می باشد. در نتیجه، کارگران با اعتصاب و راهپیمایی در تلاش اند تا دزدان حاکم را مجبور به رسیدگی به مطالباتشان کنند. این در شرایطی است که همانطور که یکی از کارگران اعتصابی هفت تپه در جریان اعتراضات اخیر گفت کارگران در تجربه به این نتیجه رسیده اند که: "در هفت تپه «به هیچ وجه» نمی توان بدون برگزاری اعتراض صنفی به حق خود رسید". یعنی کارفرمای دزد و فاسد شرکت، شرایطی ایجاد کرده که کارگر حتی برای دریافت دستمزد در مقابل کاری که انجام داده باید دست به اعتصاب و تجمع بزند. اتفاقا این تجربه در جریان همین دور از اعتصاب کارگران نیز بار دیگر خود را نشان داد و کارفرما پس از حدود بیست روز اعتصاب مجبور شد، حقوق فروردین ماه ۴۰۰ یا ۵۰۰ کارگر را بپردازد، اما هنوز از پرداخت دستمزد فروردین بقیه کارگران و دستمزد پرداخت نشده ماه های دیگر خبری نیست.

اعتصاب کارگران هفت تپه در شرایطی شروع شد که "امید اسد بیگی" مالک اصلی و در عین حال دزد و فاسد این شرکت به جرم اخلال در اقتصاد کشور و فساد اقتصادی در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلالگران و مفسدان اقتصادی در حال محاکمه بود. جالب است که یکی از اتهامات نامبرده این می باشد که با تکیه بر مالکیت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، یک میلیارد و پانصد میلیون دلار ارز به قیمت دولتی دریافت کرده و بخش بزرگی از آن را در بازار آزاد با قیمت چند برابر فروخته است. بنابراین در حالی که مستنداتی که در جریان دادگاه مطرح شد، نشان می دهد که نامبرده میلیون ها دلار ثروت و سرمایه دارد، اما بازهم از پرداخت دستمزد کارگران خودداری کرده و مدعی است که: "حقوق ده هزار کارگر نیشکر هفت تپه به ۲۴ میلیارد تومان بالغ می شود که تأمین آن «با توجه به وضعیت اقتصادی کشور» آسان نیست". با این اظهار نظر، در واقع اسد بیگی، کسی که کارگران خواهان اشد مجازات برای وی شده اند، نشان می دهد که با بی شرمی تمام عملاً زندگی کارگران را به وسیله ای جهت چک و چانه زدن با مخالفینش در طبقه حاکمه که وی را به دادگاه کشانده اند کرده است. معنای حرف وی این است که اگر نمی خواهید با فشار اعتصاب و راهپیمایی کارگران مواجه شوید مرا از این اتهامات آزاد و پرونده را مختومه اعلام کنید تا لطف کرده و حقوق کارگران را بپردازم. این یعنی یک معامله غیر انسانی. در دنیای واقعی اما معنای پیام وی این است که این بی شرم های بی همه چیز دارند با جان کارگران بازی می کنند. معروف است که وقتی درشکه به سربالائی می افتد اسب ها همدیگر را گاز می گیرند، حالا این حکایت سردمداران جمهوری اسلامی است که در شرایط تشدید بحران و گسترش مبارزات کارگران و توده های تحت ستم، به گاز گرفتن هم برخاسته اند. آنها برای چاپیدن اموال همدیگر و فریب مردم است که دست به افشای همدیگر و دادگاهی کردن هم می زنند. بر این اساس نباید فریب این بالماسکه ریاکارانه را خورد چرا که دادگاهی کردن اسد بیگی دزد و غارتگر توسط گروهی دیگر از دزدان غارتگر به هیچ رو به خاطر حمایت از کارگران به جان آمده نیست که صورت می گیرد.

وقوع موج بزرگی از اعتصابات و اعتراضات کارگری در این روزها نشان می دهد که نظام سرمایه داری حاکم که تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم می باشد با موج بزرگی از بحران مواجه شده و رکود و تورم سرتا پای آن را فراگرفته است. اما بورژوازی حاکم و سگ نگهبان اش جمهوری اسلامی، در تلاش اند تا بار همه مشکلاتی که از ذات نظم استثمارگرانه حاکم بر می خیزد و یا خود آنها با پیشبرد برنامه های اربابانشان بوجود آورده اند را بر دوش کارگران سرشکن کنند.

کارگری که با دریافت چندرغاز دستمزدش قادر به تامین نیازهای خود و خانواده اش نیست وقتی در شرایطی قرار می گیرد که چند ماه همین حقوق هم پرداخت نمی شود برآستی در چه وضعیت دردناکی قرار خواهد گرفت؟ بیش از چهل سال است که به دلیل سلطه سیستم سرمایه داری در ایران تحت حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، کارگران رنج دیده ما توسط سرمایه داران زالو صفت در فقر و فلاکت، بیکاری و گرسنگی و در زیر خط فقر رها شده اند و رژیم حاکم علیرغم ادعاهای فریبکارانه اش که همواره کوشیده خود را ضد سرمایه داری، ضد امپریالیست و گویا مدافع حقوق کارگران نشان دهد، نه تنها کمترین گامی در جهت احقاق حقوق بدیهی کارگران ستم دیده و گرسنه برنداشته، بلکه کارگران را برای بدیهی ترین خواست هایشان به شلاق و زندان محکوم می کند و با وزارت اطلاعات اش را به جان کارگران می اندازد، در حالی که خود مسئولین دولتی این رژیم ضد مردمی از خط فقر ۹ میلیون تومانی در ماه سخن می گویند، اما دولت روحانی حداقل دستمزد کارگران را زیر دو میلیون تومان در ماه تعیین می کند و با وقاحت تمام هم اعلام می کند کوچک شدن سفره ستم دیدگان مساله ای نیست! یا معاون اش جهانگیری در پاسخ به شرایط جهنمی ای که برای کارگران به وجود آورده اند می گوید، باید "آستانه تحمل" مردم را بالا برد. معنی این سخن آن است که ما دستمزدشان را نمی دهیم اما آنها باید بیشتر تحمل کنند. ببینید بی شرمی به کجا رسیده است! در پاسخ به همین ستم ها و ظلم هاست که هر روز شاهد طغیان خشم به حق مردم و اعتصاب و تظاهرات کارگران و دیگر ستم دیدگان می باشیم، مبارزاتی که در اینجا و آنجا با توسل به قهر انقلابی پیش می رود.

شرایط اسارتبار کنونی حاکم بر زندگی کارگران نشان می دهد که برای این که کارگران به مطالبات بر حق خود برسند، اگر قرار است که کارگران مسببین این اوضاع فلاکتبار را به سزای جنابات خود برسانند پس ضروری است که این وضع دگرگون شود. اما دگرگونی عمیق در وضع کارگران و رهایی آنها از زنجیر اسارت -که بیشک دیر یا زود متحقق خواهد شد- نه از بالا بلکه از پائین و در بستر انقلاب قهر آمیز کارگران و ستم دیدگان به وقوع خواهد پیوست. انقلاب در ایران به معنی قیام توده ها حتی در شکل مسلحانه اش بدون رهبری انقلابی امکانپذیر نیست. به دلیل حاکمیت دیکتاتوری عریان و شدیداً قهر آمیز در ایران که ماهیت اش امپریالیستی است، انقلاب در ایران مسیر دیگری را می طلبد، مسیر جنگ توده ای که کارگران رهبری آن را به دست خواهند داشت. برای این منظور راهی نیست جز آن که از هم اکنون کارگران آگاه با همراهی روشنفکران کمونیست خود را در تشکل های سیاسی-نظامی سازمان دهند و با اعمال انقلابی و اتخاذ سیاستی انقلابی خود را برای به عهده گرفتن رهبری مبارزات توده های تحت ستم ایران آماده کنند. انقلاب توده ها در اولین گام اش رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی را سرنگون خواهد نمود. این انقلاب با رهبری طبقه کارگر آگاه و متشکل با نابودی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم حاکم نقطه پایانی بر فقر و فلاکت و استثمار و ظلم و ستم خواهد گذاشت. یکی از کارگران هفت تپه در صحبت های شجاعانه خود گفت: "آقایان چیزی نمونده این ها نفس های آخرشان است. اتحاد داشته باشیم. هیچ تفرقه ای بین ما نیست. همه ما کارگر هفت تپه ایم. می جنگیم تا آخرین نفس". این سخنان انعکاسی از چشم انداز درخشانی است که در مقابل کارگران مبارز و جنگجوی ایران قرار دارد.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران
شماره ۷۸، پانزدهم تیر ماه ۱۳۹۹